گفت‌وگوی «جوان» با برادر و خواهر طلبه شهید «سیدعلی‌اصغر حسینی‌زیارتی» از شهدای دفاع مقدس

هرمزگانی‌ها از جنگ هشت‌ساله تا ۴۰روزه در خط مقدم بودند

شهید حسینی در حوزه علمیه تحصیل می‌کرد

تعدادی از رزمندگان استان هرمزگان در دفاع مقدس

■ زینب محمودی عالمی

روستای زیارت یکی از روستاهای تابعه بخش کوشکنار از شهرستان پارسیان استان هرمزگان است. استانی که در جنگ تحمیلی سوم (رمضان) علاوه بر شهدای مدرسه میناب، تعداد قابل توجهی نیز شهید در حوادث مختلف داد و یکی از استان‌های پرشهید کشورمان در جنگ اخیر بود. نکته جالب توجه در خصوص استان هرمزگان این است که با وجود داشتن مناطق محرومی چون بشاگرد، تعداد قابل توجهی شهید تقدیم کرده است. روستای زیارت نیز یک روستای محروم در جوار منطقه بشاگرد است که با وجود دوری‌اش نسبت به شهرهای بزرگ، تعداد قابل توجهی رزمنده به جبهه‌های دفاع مقدس اعزام کرده بود. شهید «سیدعلی‌اصغر حسینی‌زیارتی» یکی از شهدای این روستاست که یکم فروردین ۱۳۴۶ در روستای زیارت متولد شد و نهایتاً چهارم دی‌ماه ۱۳۶۵، در عملیات کربلای ۴ و منطقه ام‌الرصاص عراق به شهادت رسید. گفت‌وگوی «جوان» با سیدهادی حسینی‌زیارتی برادر و همچنین سیده‌ربابه حسینی، خواهر شهید را پیش رو دارید.

■■■

برادر شهید

هرمزگان در جنگ تحمیلی اخیر (رمضان) هم نقش ارزنده‌ای داشت، روحیه مقاومت در مردم این دیار از کجا نشئت می‌گیرد؟

برادرم شهید سیدعلی‌اصغر در زمان شهادت ۱۹ساله بود، اما ما شهید ۱۲ساله هم برای حفظ آب و خاک و تمامیت ارضی کشورمان تقدیم کردیم. این بینش و این رشادت‌ها نتیجه پیروی از مکتب الهی است. وقتی انقلاب اسلامی را هدایت‌شده از سوی امام زمان(عج) بدانیم، جوانان در روحیه‌شان تغییر و تحولات ایجاد می‌شود. مردم هرمزگان هم با چنین بینشی از جنگ هشت‌ساله تا ۴۰روزه حضور داشتند و سنگر را خالی نکردند. همه بدانند جوانان و نوجوانان ما در زمان دفاع مقدس از همه توان‌شان استفاده کردند و به مرحله‌ای از بصیرت و دانایی و فهم دقیق معنوی رسیدند که جان و مال‌شان را در این راه نثار کردند. جوانان نسل حاضر هم این‌چنین هستند، چنانچه در دفاع از حرم و دو جنگ تحمیلی ۱۲روزه و خصوصاً ۴۰روزه دیدیم که چطور جنگیدند و کشورشان را حفظ کردند.

گویا پسوندی که در آخر اسم شماست سابقه تاریخی یا مذهبی دارد؟

بله، روستای آباو اجدادی ما «زیارت» میزبان امامزاده «سیدسلطان‌محمد» مشهور به «پیرچوگان» یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های استان هرمزگان است. بر اساس گزارش محمدمهدی بحرالعلوم در کتاب مزارات، سیدسلطان‌محمد، برادر سیداحمد بن موسی (شاهچراغ) است.

گفته شده سیدسلطان‌محمد، فرزند امام کاظم(ع) بود که برای ملاقات با امام رضا(ع) به مرو عزیمت کرد اما در میانه راه مورد تعقیب نیروهای بنی‌عباس قرار گرفت و به شهادت رسید. سیدسلطان‌محمد در بشاگرد از دنیا رفت. از آنجا او را به میناب آوردند و طبق وصیت‌شان که گفته بود او را سوار شتر کنند، هر جا که شتر نشست و بلند نشد همان جا مزارش باشد. این روستا به دلیل وجود مزار «سیدسلطان‌محمد» به روستای «زیارت» مشهور شد. به همین دلیل پسوند فامیلی ما با نام این روستا عجین شد.

کودکی‌های شهید حسینی چطور گذشت؟

در عالم رؤیا مژده و بشارتی به مادرم داده بودند که نام پسرش را سیدعلی‌اصغر بگذارد تا همنام حضرت باب‌الحوائج علی‌اصغر(ع) باشد. وقتی شهید در بطن مادرم بود یک نفر خوابی دیده و به پدرم گفته بود پسری که در بطن همسرت است علی‌اصغر نام دارد. به این ترتیب بعد از تولد برادرم، نامش را علی‌اصغر گذاشتند. شهید سیدعلی‌اصغر حسینی سال ۱۳۴۵ در روستای زیارت متولد شد. از کودکی حجب و حیای خاصی در رفتار و اعمالش بود. یادم است همیشه توصیه به نماز می‌کرد. شعری که در این زمینه می‌خواند این بود «خوشا آنان که دائم در نمازند / بهشت جاودان بازارشان بی». سیدعلی‌اصغر از همان کودکی شرایط روحی و معنوی خیلی خوبی داشت. الگو بود و صداقت خاصی داشت. وقتی با بچه‌ها بازی می‌کرد شوخی‌های نابجا نمی‌کرد و آرام بود. حتی به افرادی که در فامیل صله‌رحم نمی‌کردند هم سر می‌زد. علاقه خاصی بین مردم و او بود. مردم بسیار به ایشان احترام می‌گذاشتند. تحصیلات ابتدایی‌اش را در روستای زیارت گذراند و مقطع راهنمایی را در محله سیدجمال بندرعباس گذراند. دوران راهنمایی را که تمام کرد وارد جهاد سازندگی شد. دو سال در آنجا خدمت کرد. با یکی از دوستان آشنا شد و از طریق ایشان به حوزه علمیه رفت. از سال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه شد و تا سال ۱۳۶۴ هم درس می‌خواند و هم به جبهه می‌رفت. چندین بار داوطلبانه و بسیجی در جبهه حضور پیدا کرد. تا اینکه در زمستان سال ۱۳۶۴ در عملیات کربلای ۴ که در منطقه ام‌الرصاص انجام گرفت به رؤیای زمان کودکی‌اش که بارها مژده شهادت را به او داده بودند رسید. پیکرش را بعد از شهادتش در گلزار شهدای سیدسلطان‌محمد که هفت شهید دارد به خاک سپردند.

به نظر شما چه درک و بینشی یک نوجوان را از سن کم راهی جبهه می‌کرد؟

سیدعلی‌اصغر از کودکی روحیه مذهبی و عرق ملی داشت. در جبهه بیشتر فعالیت‌های تبلیغی داشت. از سال ۶۱ تا ۶۲ که در جهاد سازندگی خدمت می‌کرد به جبهه می‌رفت. در عملیات فجر و رمضان حضور داشت. وقتی به جبهه می‌رفت به خاطر خضوع و خشوعی که داشت به مادر نمی‌گفت تا ناراحت نشود. در جهاد سازندگی در حوزه فرهنگی فعالیت داشت. وقتی روحانی شد رسالتش بیشتر شد. به عنوان کسی که از اسلام و وطن دفاع می‌کرد خالصانه به تبلیغ دین مبین اسلام می‌پرداخت. می‌گفت امام خمینی(ره) فرمان دادند همه باید برای دفاع از کشور عازم جبهه شوند. یادم است می‌گفت: به جبهه بیایید ببینید آنجا دانشگاه و محل خودسازی نفس است. نمی‌خواهد بروید یکی، دو سال خودسازی کنید. ظرفیت‌هایی که در جبهه ایجاد می‌شود از نظر عمل و کوشش زمینه‌ساز رشد و تعالی معنوی انسان است. شب آخرهم که برای نبرد با دشمن در کربلای ۴ رفته بود، به همراه یک گروه آرپی‌جی‌زن بود. جزء اولین قایق‌هایی بودند که از اروند عبور می‌کنند. عملیات آن شب لو رفته بود. تیر مسلسل به برادرم اصابت می‌کند و یک‌دفعه به همرزمانش می‌گوید: تیر خوردم. تیر زیر قلبش اصابت کرده بود. همرزمانش او را به بهداری می‌رسانند. تا لحظه شهادت در حالت خلصه و بیهوشی بود و ۴۵دقیقه بعد از اصابت گلوله به شهادت می‌رسد.

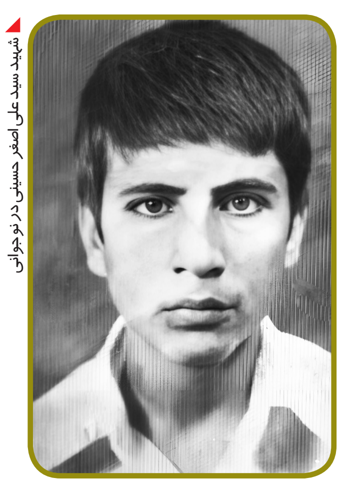
شهید سید علی اصغر حسینی در نوجوانی

> سیدعلی‌اصغر در زمان شهادت ۱۹ساله بود، اما ما شهید ۱۲ساله هم برای حفظ آب‌وخاک و تمامیت ارضی کشورمان تقدیم کردیم. این بینش و این رشادت‌ها نتیجه پیروی از مکتب الهی است. مردم هرمزگان هم با چنین بینشی از جنگ هشت‌ساله تا ۴۰روزه حضور داشتند و سنگر را خالی نکردند

آخرین وداعی که با شهید داشتید چگونه گذشت؟

قبل از آخرین اعزام برادرم به جبهه، مراسمی در روستا داشتیم. آن روز سیدعلی‌اصغر از قم آمده بود؛ لحظات آخر وقتی خداحافظی می‌کرد، حس عجیبی داشت. البته به ما نگفته بود که جبهه می‌رود. فقط از همه خواسته بود حلالش کنند. بعد از رفتن برادرم، ساختمان نسبتاً بلندی در روستا بود که مادرم بالای راه‌پله آن رفت تا علی‌اصغر را از دور ببیند. وقتی شهید فاصله یک کیلومتری تا جاده را پیاده می‌رفت، سر خیابان که رسید برگشت و نگاه حسرت‌باری از دور داشت. از همان جا خداحافظی کرد و برای همیشه رفت. در وصیتنامه‌ای که از سیدعلی‌اصغر بعداً به دست ما رسید نوشته بود: پدرومادرم غم نخورید. من با خوابی که دیدم و پیش‌بینی که دارم و الهاماتی که می‌شود شما را در حرم امام حسین(ع) زیارت می‌کنم. یکی از دوستانش می‌گفت قبل از عملیات کربلای ۴، شهید خوابی دیده بود که از جایی رد می‌شود و سیم‌خاردار و میدان مین بود. نتوانسته بود از سیم‌خاردار عبور کند. علی‌اصغر بعد از بیدار شدن از خواب گفته بود: توسل کردم شاید خدا ما را هم بپذیرد و شهید شوم.

> سیدعلی‌اصغر از اوان کودکی روحیه مذهبی و عرق ملی داشت. در جبهه بیشتر فعالیت‌های تبلیغی داشت. از سال ۶۱ تا ۶۲ که در جهاد سازندگی خدمت می‌کرد به جبهه می‌رفت. در عملیات فجر و رمضان حضور داشت. وقتی به جبهه می‌رفت به خاطر خضوع و خشوعی که داشت به مادر نمی‌گفت تا ناراحت نشود

شهید حسینی به کدام یک از شهدای انقلاب یا دفاع مقدس بیشتر علاقه داشت؟

شهید سیدعلی‌اصغر به همه شهدا علاقه داشت. اما وقتی صحبت می‌کردیم با شهید مطهری و شهید مظلوم دکتر بهشتی بیشتر انس داشت. کتاب‌های این بزرگواران را مطالعه می‌کرد. استان هرمزگان بیشترین شهدای طلبه و روحانی را در بین استان‌های ایران دارد. عالمان بزرگواری در استان هرمزگان بودند که جوانان را برای دفاع از وطن تشویق می‌کردند. حاج‌آقا احمدی، حاج‌آقا تختی، شیخ اسفندی و آقای عبادی که امام جمعه هستند و هم‌دوره حاج‌آقا لبخندان و حاج‌آقا رهگشا بودند. برادر حاج‌آقا رهگشا از شهدای روحانی هستند. اینها ظرفیتی بودند که مردم را برای دفاع از کیان وطن‌مان ترغیب و تشویق می‌کردند تا در مقابل دشمنان این مرز و بوم بایستند.

■■■

خواهر شهید

چه خاطراتی از برادر شهیدتان در ذهن شما ماندگار شده است؟

یکی از خاطرات شهید که به نظرم جالب است به دوران تحصیلش در مقطع راهنمایی برمی‌گردد. آن سال در ماه رمضان با اینکه توان جسمی ضعیفی داشت، همه روزهایش را می‌گرفت. به ما می‌گفت اگر مرا برای سحر بیدار نکنید، بدون سحری روزه می‌گیرم.

خیلی بچه مهربانی بود و آزارش به هیچ‌کس نمی‌رسید. زمانی که بچه بود گندم برمی‌داشت و روی لانه مورچه‌ها می‌نشست و برای آنها گندم می‌ریخت و شعر «میازار موری که دانه‌کش است» را برای آنها می‌خواند.

یادم است یک روز صبح مادرم مشغول پختن نان بود و علی‌اصغر آن زمان تنها شش سال داشت و تازه از خواب بیدار شده بود، به مادرم گفت: پل صراط را در خواب دیدم. از پل صراط عبور می‌کردم. همه در حال افتادن بودند اما پل صراط برایم عریض شد و توانستم رد شوم. وقتی این خواب را تعریف می‌کرد مادرم ناراحت شد. گفت: من تو را با نذر و نیاز از خدا خواستم. بعد مادرم از شهید پرسید: مادر جان! از آنجا برگشتی؟ گفت نه مادر! من آنجا ماندم. گویا از همان طفولیت برات شهادت را به او داده بودند.

■■■

یادکرد | علیرضا محمدی

نام هرمزگان با شهدای مدرسه میناب عجین شده است

نقش هرمزگان در جنگ تحمیلی سوم

رتبه دوم شهدای جنگ رمضان سهم این استان است

یکی از اهدافی که در شروع جنگ تحمیلی سوم علیه مردم ایران از سوی محور امریکایی_صهیونیستی بمباران شد، مدرسه میناب در استان هرمزگان بود. این استانِ که ساحل شمالی تنگه هرمز را کاملاً دربرگرفته، اکنون نامی آشنا در سراسر جهان به شمار می‌آید. هرمزگانی‌ها که در تاریخ معاصر ایران در مبارزه با اشغالگری پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها و سپس تجاوز نظامی عراق بعثی نقش ارزنده‌ای داشتند، در جنگ تحمیلی سوم نیز بسیار خوش درخشیدند و به غیر از مردم غیرنظامی، تعدادی از نیروهای مسلح بومی این استان نیز در حراست از مرزهای آبی کشورمان به شهادت رسیدند.

■■■

■ بیشترین شهید بعد از استان تهران

نکته بارز در بررسی نقش استان هرمزگان در جنگ تحمیلی سوم، تعداد قابل‌توجه شهدای این استان نه‌چندان بزرگ در مقایسه با دیگر استان‌های بزرگ و پرجمعیت کشورمان است. صرف‌نظر از استان و البته شهر تهران که به عنوان پایتخت کشورمان بیشترین بمباران امریکایی_صهیونیستی را متحمل شد، هرمزگان با ۲۶۱شهید، بیشترین شهید بعد از تهران را در جنگ تحمیلی سوم تقدیم کرده است. تنها در فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب، ۱۵۵نفر به شهادت رسیدند که البته در ابتدا ۱۶۸نفر ذکر شده بود. سپس در رویدادهای مختلف نیز این استان شهدای دیگری تقدیم کرد.

■ شهدایی برای حفظ جزایر

در خلال جنگ تحمیلی سوم، رزمندگان استان هرمزگان برای حفظ جزایری مانند بوموسی که جزء این استان به شمار می‌آیند، مأموریت‌هایی متعددی در روی آب‌های خلیج فارس داشتند که در خلال این مأموریت‌ها، شهدایی نیز تقدیم شد؛ شهید حجت سعیدآبادی و شهید حسین‌علی بنه از جمله این شهدا هستند که روی شناورشان ازسوی جنگنده‌های دشمن مورد اصابت قرار گرفته و به شهادت رسیدند. بنابراین استان هرمزگان علاوه بر حراست گستره‌ای از سواحل ایران در جنوب کشور، در حراست از جزایر و نبردهای دریایی نیز شهید داده است.

> هرمزگان در جنگ تحمیلی سوم (رمضان) با ۲۶۱شهید، بیشترین شهید بعد از تهران را در جنگ تحمیلی سوم تقدیم کرده است. تنها در فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب، ۱۵۵نفر به شهادت رسیدند که البته در ابتدا ۱۶۸نفر ذکر شده بود. سپس در رویدادهای مختلف نیز این استان شهدای دیگری در جنگ ۴۰روزه تقدیم کرد

■ شهدایی از محروم‌ترین مناطق

بخش قابل‌توجهی از منطقه بشاگرد که بین سه استان کرمان، هرمزگان و سیستان‌وبلوچستان قرار دارد، در استان هرمزگان واقع شده و به این ترتیب می‌توان گفت که هرمزگان از جمله استان‌های محروم کشور به شمار می‌رود. بشاگرد از اوایل پیروزی انقلاب به عنوان خواستگاه نیروهای جهادی بوده و چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون مرحوم حاج‌عبدالله والی برای رشد و توسعه و خروج این منطقه از محرومیت، تلاش بسیاری کرده‌اند.

■ رشادت در اوج محرومیت

یکی دیگر از نکات قابل‌توجه استان هرمزگان در مسئله جهاد و شهادت، حضور گسترده رزمندگان هرمزگانی از محروم‌ترین مناطق در جبهه‌های مختلف جنگ بوده و است. استان هرمزگان در دهه ۶۰ که اوج جنگ تحمیلی اول بود، تعداد قابل‌توجهی از جوانانش را نه فقط برای حفظ جزایر بلکه برای حفظ مرزهای غربی و جنوبی کشور نیز راهی استان‌هایی چون خوزستان و کرمانشاه می‌کرد. در آن روزها به دلیل دوری مسافت و همچنین نبود جاده‌های مناسب، رزمندگان هرمزگانی گاه دو روز طول می‌کشید تا خود را به استان خوزستان برسانند، چراکه ابتدا باید خود را به یکی از شهرهای بزرگ در استان‌های دیگر می‌رساندند و سپس از آنجا راهی مقصد می‌شدند. در یک نگاه کلی، هرچند نام استان هرمزگان پس از فاجعه میناب و همچنین مدیریت تنگه هرمز ازسوی ایران، بیشتر شنیده شد، اما این استان از جنگ تحمیلی هشت‌ساله تا وقایعی چون دفاع از حرم و جنگ ۱۲روزه نیز نقش ارزنده‌ای ایفا کرد و شهدایی از این استان تقدیم شد. هرمزگانی‌ها از مناطق و شهرهایی چون بشاگرد، میناب، بندرعباس، بوموسی، جاسک، بسک و... همواره پشتیبان کشور و نظام اسلامی بوده و هستند و خیل شهدای این استان گواهی بر این سخن است.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۶۲۸

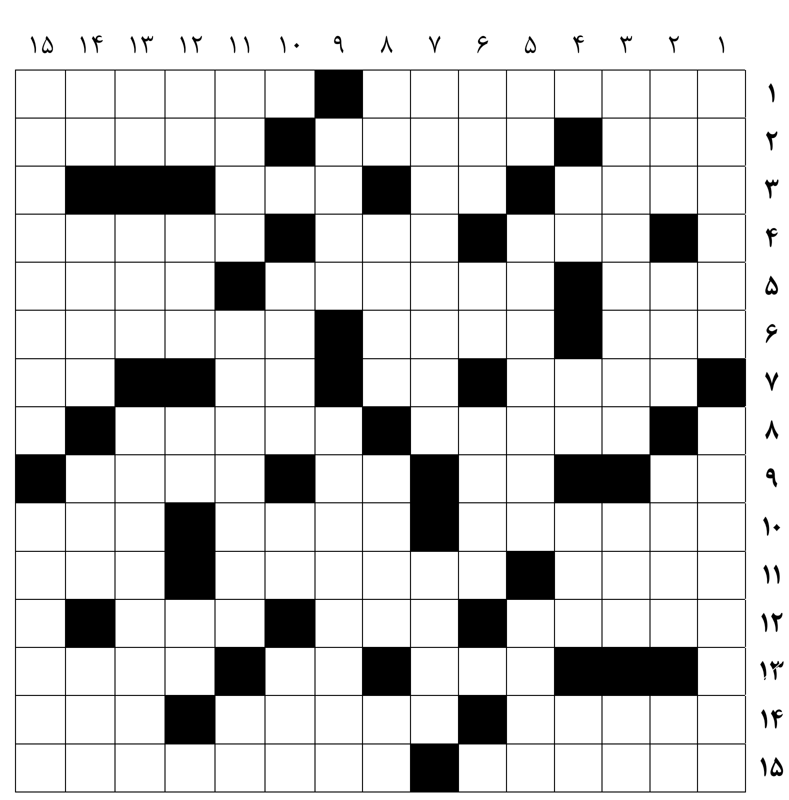

از راست به چپ

■ ۱- بیماری نرمی استخوان- صاحب زمین و رعایا ■ ۲- غزال- توطئه پنهانی- از خدایان هندوها ■ ۳- نی لبک- رود فرانسوی- ثواب ■ ۴- چین و شکن- کف دست- اتومبیل کرایه داخل شهری ■ ۵- ذره باردار- نصب و تشکیل- مردنی ■ ۶- از گویش های ایرانی- بخشنده- جوهر گین ■ ۷- در دایره... ما نقطه تسلیمیم- ورق کاغذ- سخن صریح- سرای مهر ■ ۸- جهانگرد ونیزی- از نسبت‌های مثلثاتی ■ ۹- بندگی- پایه و اساس- گفت و گوی خودمانی- آدمکش ■ ۱۰- گوزن خاص مناطق قطبی کانادا و آلاسکا- دوچرخه‌سوار می‌زند- خزنده خوش خط و خال ■ ۱۱- حنا- معامله پایاپای- یقه تیز ■ ۱۲- کاسنی- سوره زنان- پیروزی ■ ۱۳- چابک- نوعی زغال سنگ- قسمی مقوای ضخیم ■ ۱۴- دوچرخه مسابقه‌ای- اسب اصیل- صدا و آواز ■ ۱۵- دفعتاً و ناگهانی- با برزیل و بولیوی مرز مشترک دارد

از بالا به پایین

■ ۱- نقاش ایتالیایی خالق تابلوی مدرسه آتن- فاقد نظم و قانون و قاعده ■ ۲- شایسته؛ سزاوار- واحد شمارش کاغذ- پسر کاوه آهنگر- قورباغه ■ ۳- قوم پرستی افراطی- زرنگ- یزدان ■ ۴- خیس- بنده و شما- امر به یافتن- پسوند شباهت ■ ۵- تند میان تهی- لقب حضرت علی(ع) که به دلیل سجده‌های بسیار به او داده بودند- مزدور ■ ۶- دانه تسبیح- راه نافرجام- لباس ■ ۷- ذات‌الریه- از سبک های شعر فارسی ■ ۸- فلز سرخ- برای، به دلیل- حشیش- ظرف سرکه ■ ۹- ورزش چوبدستی- ورزشی آمیخته از والیبال، فوتبال و بدمینتون ■ ۱۰- کمک- صدمتر مربع- عار نیست ■ ۱۱- منزل آذری- شربت سرکه- بوی رطوبت ■ ۱۲- او- پیروان یک دین- گشوده- شصت‌ویکمین سوره قرآن کریم ■ ۱۳- وجه مشترک دشوار و دشمنی- مرزبان- جمهوری کوچکی در درون ایتالیا قرار دارد ■ ۱۴- ضمیر اشاره- جاوید- دوست- شر ■ ۱۵- از غذاهای معروف ایرانی- ساخته و پرداخته

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۲	۸			
۶		۴	۷					
		۸				۹	۲	
۹		۶					۵	
						۷	۸	۳
				۱	۳			
۱	۵							
			۸		۲	۳		
						۲	۷	

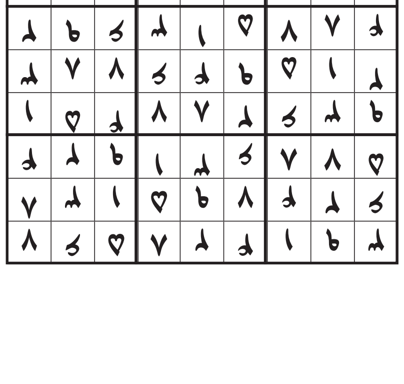

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۶۲۷